

ارزیابی تأثیر هوش معنوی بر گرایش به کارآفرینی مستقل دانش آموزان  
دبیرستان‌ها و هنرستان‌های شهرستان چالوس  
داوود کیاکجوری<sup>۱</sup>، آرامه پژوم<sup>۲</sup>

چکیده

این مقاله برگرفته از تحقیق علمی- پژوهشی در زمینه تأثیر هوش معنوی با مؤلفه‌های تفکر اعتقادی، تفکر انتقادی، سجایای اخلاقی، معنا سازی شخصی و آگاهی متعالی بر کارآفرین مستقل شدن دانش آموزان است. هدف این پژوهش تبیین و تأکید بر عوامل مؤثر فوق بر کارآفرین مستقل شدن ۴۰۰ نفر از دانش آموزان سال آخر دبیرستان‌ها و هنرستان‌های شهرستان چالوس است که نزدیک به فارغ التحصیلی و انتخاب سرنوشت ساز شغل و کسب و کار خود هستند. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه کارآفرینی مقیمی (۱۳۹۴) و هوش معنوی کینگ و بدیع (۱۳۸۹) می-باشد. روش نمونه‌گیری تصادفی ساده بوده که روایی تحقیق با روایی سنجی سازه محتوایی از طریق تحلیل عاملی تأییدی و پایایی از روش آلفای کرونباخ تأیید شد. یافته‌ها نشان داد که مؤلفه معنا سازی شخصی بر گرایش دانش آموزان سال آخر برای کارآفرین مستقل شدن تأثیر مثبت دارد. همچنین یافته‌ها نشان داد که سایر مؤلفه‌های هوش معنوی (سجایای اخلاقی، آگاهی، تفکر انتقادی و تفکر اعتقادی) رابطه معناداری با کارآفرین مستقل شدن ندارند. سایر یافته‌های تحقیق بیان کردند که بین رشته‌های تحصیلی و میزان درآمد خانواده دانش‌آموزان با کارآفرین مستقل شدن ایشان رابطه معناداری وجود دارد. همچنین هوش معنوی به‌عنوان عاملی مهم در تعیین سرنوشت کسب و کار دانش آموزان هست و می‌بایست به آن بیشتر دقت شود.

واژگان کلیدی: هوش معنوی، کارآفرینی مستقل، معنا سازی شخصی

۱- دانشیار رشته مدیریت دولتی و عضو هیئت‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی چالوس

۲- دانشجوی دکتری کارآفرینی گرایش کسب‌وکار، دانشگاه آزاد اسلامی چالوس،  
pazhoom.arameh@gmail.com

## مقدمه

به دلیل اهمیت انگیزه‌های کارآفرینی در موفقیت کسب‌وکارها و در نتیجه رونق اقتصادی و به تبع آن رضایتمندی فردی و ساماندهی و رفاه اجتماعی و فراهم گشتن بستری برای رشد و بلوغ انسانیت و ایجاد فضای سالم برای جهت‌گیری انسان در مسیر رسالت آفرینش خود و حرکت به سوی تکامل که منظور خلقت است، لازم است تا عوامل معنوی کمتر مطالعه شده مؤثر بر کارآفرینی، مورد ارزیابی و سنجش قرار بگیرند تا پس از مطالعه، اثبات تأثیر، میزان و چگونگی آن‌ها، نسبت به آموزش و پرورش و شناخت و مراقبت آن‌ها اقدام مؤثر صورت بگیرد. دیدن و جدی گرفتن انگیزه‌های روحی و معنوی افراد و حمایت و هدایت آن‌ها کم‌هزینه‌ترین راه توسعه کشورها و حمایت از کارآفرینی مستقل است که متأسفانه در ایران از حد شعار فراتر نرفته و با جامعه کسب‌وکاری آشفته و حیران و دلسرد مواجه هستیم.

البته طی دهه گذشته کارآفرینی و عوامل مؤثر بر آن مورد نظر محققین همه رشته‌ها بخصوص رشته‌های مرتبط برای مطالعه و آموزش و ترویج قرار گرفته است. تأثیر ابعاد روانی و معنوی انسان نیز در میل و اقدام و موفقیت در کارآفرینی انکارناپذیر بوده و متغیر هوش معنوی نیز در حال مطالعه روزافزون در نقاط مختلف جهان است.

از این رو، هدف این پژوهش مطالعه مؤلفه‌های هوش معنوی بر گرایش کارآفرین مستقل شدن دانش آموزان است که نتایج آن می‌تواند در سیاست‌گذاری‌های کلان آموزش و پرورش تأثیر بسزایی داشته باشد. برنامه‌ریزی تحصیلی، تدوین کتب، تعیین استراتژی‌ها و توجه به امر استعداد سنجی و انواع هوش می‌تواند با رهنمود این پژوهش و امثال آن تغییرات مناسبی داشته باشد.

مروری بر مبانی نظری

کارآفرینی مستقل

از مطالعه تحقیقات انجام شده و مبانی نظری کارآفرینی می‌توان این‌گونه برداشت کرد که منظور از عبارت «کارآفرینی» همان کارآفرینی فردی یا مستقل است چرا که در ادبیات

موضوع هر جا که منظور نوع خاصی از کارآفرینی بوده است به صورت پسوند آورده شده است؛ مانند کارآفرینی سازمانی، کارآفرینی دولتی، کارآفرینی هنری، ورزشی و... . کارآفرینی، یک مفهوم چند وجهی پیچیده‌ای است که امروزه توجه زیادی را به خود جلب کرده است و بیشتر صاحب‌نظران توافق دارند که کارآفرینی و کارآفرینان سهم بسزایی در توسعه اقتصادی دارند (Johnson et al, 2006). کارآفرینی عبارت است از جستجوی فرصت‌ها و توانایی شناسایی شکاف‌های موجود در بازار است. رویکرد کارآفرین محوری، رویکردی است که روی نوآوری بازار و محصول و طرح‌های خطرپذیر تأکید داشته و با تمایل به پیشگامی در نوآوری، به دنبال کسب برتری بر رقباست. کارآفرینان کسانی هستند که تمایل دارند تا منابعشان را در فرصت‌هایی مورد استفاده قرار دهند که احتمال شکست در آن‌ها زیاد است (آقاجانی و گنجه خور، ۱۳۸۹، ۱۲۱). کارآفرینی پیش از آن که ابزار و روشی برای حل مشکلات امروز سازمان‌ها و در حالت کلی اجتماعات بشری باشد، رویکردی است که در آن وجوه آفرینندگی، زایش، نو شدن و نو بودن نقش قابل توجهی دارد. بدین ترتیب کارآفرین کسی است که دائماً در حال تولید، پرورش، به کارگیری و به طور کلی جان دادن و روح دمیدن به افکار و ایده‌های جدید است (عربشاهی، ۱۳۹۵، ۷۲). کارآفرینان، افراد، گروه‌ها و یا مردمی هستند که کسب‌وکار جدیدی را تأسیس و اداره می‌کنند به گونه‌ای که حداقل برای بیش از یک نفر ایجاد اشتغال کنند (Kirkwood, 2007). در واقع کارآفرینان به عنوان کلید طلایی توسعه شناخته شده‌اند و وسیله دستیابی به توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آموزشی و ارتقاء کارآفرینی است، بنابراین یک ضرورت جدی در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها ایجاد و گسترش فرهنگ کارآفرینی و نوآوری محسوب می‌شود (سعیدی کیا، ۱۳۹۰). کارآفرین، شخصی است که با پذیرفتن خطر، کسب‌وکاری را انتخاب کرده، آن را سامان دهی می‌کند و هرگونه اقدام را بر اساس مهارت‌های دانش و انرژی‌های مشخص، انجام می‌دهد (جهانگیری و کلانتری، ۱۳۸۷). در این میان، کارآفرینی آزاد و مستقل فرآیندی است که کارآفرین در طی آن، فعالیت کارآفرینانه‌ای را به طور آزاد و مستقل به ثمر می‌رساند (عربشاهی، ۱۳۹۵، ۷۵).

### هوش معنوی

این واژه اولین بار توسط زوجی از اساتید دانشگاه آکسفورد بنام زوهر و مارشال در سال ۱۹۹۴، با درآمیزی روانشناسی با فیزیک، فلسفه و مذهب استفاده شد. در ادبیات آکادمیک

روان‌شناسی برای اولین بار در سال ۱۹۹۶ توسط استیونز و بعد در سال ۱۹۹۹ توسط رابرت امونز مطرح شد. از نظر امونز هوش معنوی کاربرد انطباقی اطلاعات معنوی با هدف تسهیل حل مسائل روزمره و دستیابی به هدف می‌باشد (Emmons, 2000). هوش معنوی سازه‌های معنویت و هوش را درون یک سازه جدید ترکیب می‌کند. در حالی که معنویت با جستجو و تجربه عناصر مقدس، معنا، هوشیاری اوج یافته و تعالی در ارتباط است، هوش معنوی مستلزم توانایی‌هایی است که از چنین موضوعات معنوی برای تطابق و کنش اثربخش و تولید پیامدهای با ارزش استفاده می‌کند (Emmons, 1999).

کینگ، هوش معنوی را این چنین تعریف کرده است: مجموعه‌ای از ظرفیت‌های ذهنی که به هوشیاری، یکپارچگی و کاربرد انطباقی جنبه‌های معنوی و جهان مافوق وجودی شخص، کمک می‌کند و منجر به خروجی‌هایی مثل تفکر وجودی عمیق، افزایش معنا، شناسایی عالم مافوق و سلطه حالت‌های معنوی می‌شود (King, 2008). هوش معنوی از دیدگاه کینگ (۲۰۰۸) دارای مؤلفه‌های تفکر انتقادی وجودی، آگاهی متعالی، معنا سازی شخصی، بسط حالت هوشیاری و...

تفکر وجودی انتقادی: کینگ این مؤلفه را ظرفیت فکر کردن به صورت انتقادی در مورد ماهیت هستی، واقعیت، جهان، فضا، زمان، مرگ و دیگر موضوعات وجودی یا متافیزیکی تعریف می‌کند. کلمه وجودی اغلب به صورت «در رابطه با زندگی» تعریف می‌شود؛ بنابراین، از یک دیدگاه بنیادین، تفکر انتقادی به تفکر در مورد موجودیت فرد اشاره دارد. بر اساس اشکال گوناگون و پیچیده موجودیت، می‌توان بیان داشت که تفکر در مورد موجودیت فرد شامل فکر کردن درباره موضوعاتی نظیر زندگی و مرگ، واقعیت، هوشیاری، جهان، زمان، حقیقت، عدالت، بدی و دیگر موضوعات مشابه می‌باشد. در بسیاری از تعاریف، چنین موضوعات وجودی، به عنوان «سوالات غایت» زندگی توصیف شده‌اند.

ارائه مفهوم شخصی: دومین مؤلفه به صورت «توانایی ایجاد مفهوم و هدف شخصی در تمامی تجارب فیزیکی و ذهنی، شامل ظرفیت خلق و تسلط بر یک هدف زندگی» تعریف شده است. مشابه تفکر انتقادی، مفهوم شخصی نیز به عنوان جزئی از معنویت ذکر شده و ملاحظه آن در مدل هوش معنوی نیاز است. مفهوم شخصی به صورت «داشتن یک هدف در زندگی، داشتن درک درستی از مسیر، درک نظم و ترتیب و دلیلی برای موجودیت» تعریف

شده است. اگرچه این دیدگاه به فرد اجازه شناسایی رابطه بین معناداری و تفکر انتقادی را می‌دهد، یک تفاوت مهم وجود دارد: داشتن یک «دلیل برای موجودیت» فراتر از تفکر ساده درباره موجودیت است و در این باره یک ظرفیت ذهنی مجزا و متمایز می‌یابیم.

آگاهی متعالی: سومین مؤلفه به صورت «ظرفیت شناسایی ابعاد تعالی فرد، دیگران و جهان مادی در حالت معمولی و هوشیاری، همراه با ظرفیت شناسایی ارتباط آن‌ها با خود فرد و جسم او» تعریف شده است. تعالی به «فراتر رفتن از تجارب معمولی و مادی انسان» یا «وجودی که جدا از دنیای مادی است و در معرض محدودیت دنیای مادی قرار نمی‌گیرد» اشاره دارد (King, 2008).

هوش معنوی در برگرفته مجموعه‌ای از توانایی‌ها و ظرفیت‌ها می‌باشد که از منابع معنوی در جهت افزایش بهزیستی و انطباق‌پذیری فرد استفاده می‌کند (سهرابی و ناصری، ۱۳۸۸، ۶۹)

هوش معنوی از روابط فیزیکی و شناختی فرد با محیط پیرامون خود فراتر رفته و وارد حیطه شهودی و متعالی دیدگاه فرد به زندگی می‌گردد و همین مسئله پاسخ به سؤالاتی همچون «من کیستم؟»، «چرا اینجا هستم؟» و «چه چیزی مهم است؟» را برای انسان روشن می‌سازد تا فرد در نهایت بتواند با کشف پنهان عشق و لذت که به‌گونه‌ای نهفته در زندگی آشفته و پر استرس روزمره می‌باشد، به خود و دیگران کمک نماید (غباری بناب و همکاران، ۱۳۸۷).

زوهر و مارشال (۲۰۰۰) هوش معنوی را به عنوان، هوشی که ما به کمک آن مشکلات معناداری و ارزش زندگی خود را حل می‌کنیم، هوشی که به ما کمک می‌کند تا اعمال و زندگی خود را در مفهومی ژرف و عمیق‌تر قرار دهیم و هوشی که به ما کمک می‌کند تا ارزیابی کنیم که کدام اقدام و مسیر زندگی معنای بیشتری از دیگری دارد (Zohar & Marshall, 2000).

### چارچوب نظری و مدل مفهومی

طهماسب پور و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیق خود پیشنهاد می‌کنند که دلیل اهمیت هوش معنوی در امید به زندگی و خود تنظیمی دانشجویان، آموزش و تقویت آن در دانشجویان در دستور کار دانشگاه‌ها قرار گیرد. لیکن این تحقیق دانش آموزان دبیرستان‌ها

را هدف قرار می‌دهد چرا که در تحقیقات انجام گرفته تاکنون تأثیر هوش معنوی بر گرایش به کارآفرینی مستقل در این مقطع حساس جهت‌گیری فرد به کارآفرینی یا مشاغل دیگر که قبل از فارغ‌التحصیلی آن‌ها از دبیرستان‌ها و هنرستان‌ها می‌باشد، مطالعه نشده است. جایی که در صورت تمرکز نگرفتن دانش آموزان بر آرمان و ایده‌ای مناسب، رشته‌های بی‌ارتباط دانشگاهی و سابقه‌های کاری غیرمفید و ناکارآمدی و نارضایتی و تبدیل ایشان به شهروند مصرف‌کننده متوقع غیر مولد، پیش روی آنان خواهد بود. همچنین تحقیقات انجام شده در زمینه انواع هوش بیشتر روی سایر انواع کارآفرینی چون سازمانی، اجتماعی و... گرفته است و مشخصاً بر روی کارآفرینی مستقل نبوده است.

انصاری و همکاران (۱۳۸۹) در مطالعه ویژگی‌های فردی اثرگذار بر توسعه کارآفرینی اجتماعی به این نتیجه رسیدند که کارآفرین اجتماعی، از نظر ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری دارای ابعاد مشترکی با کارآفرین اقتصادی است اما افزون بر این دارای ابعاد شخصیتی و رفتاری خاص خود بوده و دو ویژگی برخورداری از سرمایه‌ی اجتماعی فردی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، از شاخصه‌های مهم کارآفرین اجتماعی هستند و نقش بسزایی در توسعه‌ی کارآفرینی اجتماعی توسط کارآفرینان اجتماعی دارند. کیاکجوری و جعفرنژاد (۱۳۹۰) عوامل اثرگذار بر فرایند کارآفرینی مستقل را به این شکل تبیین کردند که متغیرهای فردی (۰/۹۱)، شغلی (۰/۵۷)، رفتاری (۰/۳۹) و محیطی (۰/۲۴) به ترتیب بیش‌ترین اثرگذاری مستقیم بر روی فرایند کارآفرینی مستقل را دارند. در مطالعه‌ای دیگر ویژگی‌های هوش کارآفرینانه زنان بررسی شده که در قالب شش مضمون اصلی بینش کارآفرینانه، هوش شناختی، هوش اجتماعی، هوش شهودی، هوش جسورانه و هوش برانگیزاننده، استخراج و نام‌گذاری شد (امینی و حسینی ماچک، ۱۳۹۶). اهمیت هوش هیجانی را مخصوصاً در سایر مؤلفه‌های هوش هیجانی در انگیزش نوآوری در میان کارآفرینان توسط (Rohana, 2015) بررسی شد. همچنین ثابت شده است هرچه میزان رهبری معنوی بالاتر بود، میزان کارآفرینی سازمانی افزایش می‌یابد. (مرزبان، ۱۳۹۴). در تحقیق با مضمون مشابه در مورد تأثیر ذهنیت فلسفی بر گرایش‌های کارآفرینی در مدیران کسب‌وکارهای کوچک و متوسط مشاهده شد ذهنیت فلسفی بر پیشرفت طلبی، استقلال‌طلبی، خلاقیت، ریسک‌پذیری و مرکز کنترل آن‌ها تأثیر معنی‌داری دارد. سابقه مدیریتی مدیران نیز که تعدیل‌کننده گرایش‌های کارآفرینی آن‌هاست، تأثیر معنی‌داری دارد؛

در ضمن مدل ارائه شده برای بیان تأثیر ذهنیت فلسفی بر گرایش‌های کارآفرینی مدیران، مدل مناسبی است و با داده‌های به دست آمده برازش دارد، پس با تقویت ابعاد ذهنیت فلسفی مدیران می‌توان گرایش‌های کارآفرینی آن‌ها را ارتقا داد (پردنجانی، ۱۳۹۲). تحلیل‌های مربوط به اهداف اصلی پژوهش نیز نشان می‌دهد مجموعه‌ای از عوامل وجود دارند که کارایی یک اکوسیستم کارآفرینی را تحت تأثیر قرار می‌دهند که به ترتیب حمایت‌ها، سرمایه انسانی، بازارها، فرهنگ، سیاست و تأمین مالی بر اکوسیستم کارآفرینی ایران تأثیرگذار هستند (داوری و همکاران، ۱۳۹۶).

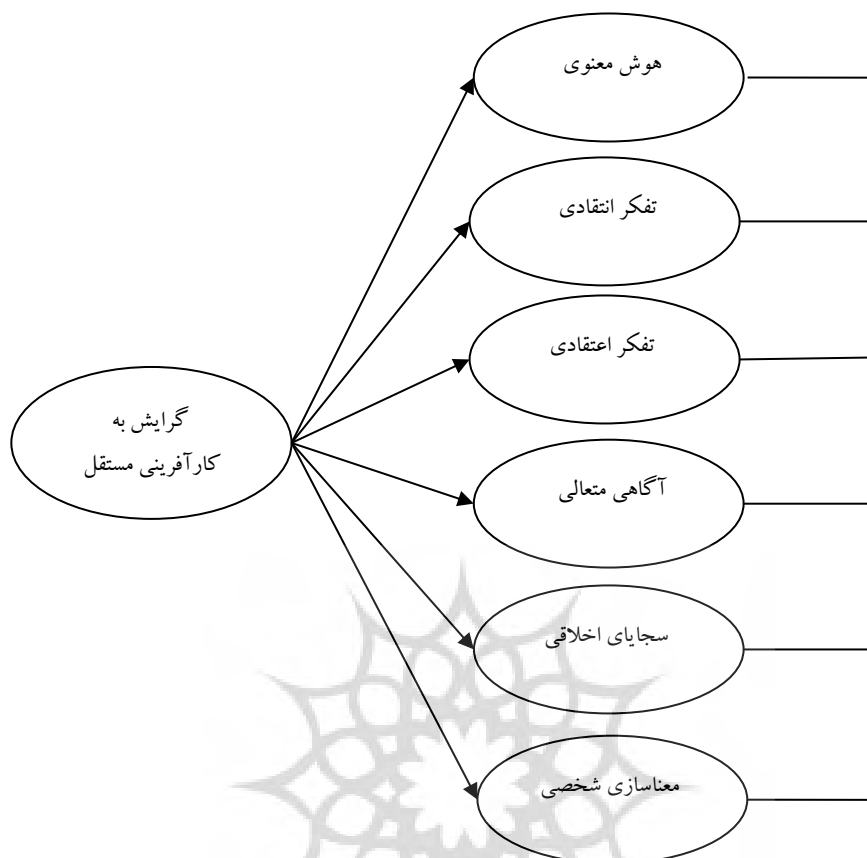
هرویت و نورلیک (۲۰۰۹)، در تحقیق مروری خود کمک می‌کند به فهم مکانیک اینکه کدام ارزش‌های معنوی و رفتارها ممکنه در محیط کار بیشتر تشخیص داده بشوند. در مطالعه‌ای بر تأثیر هوش‌های چندگانه بر گرایش کارآفرینانه تأیید شد، هوش معنوی مشخصاً به توضیح گرایش کارآفرینانه در میان دانشجویان کمک می‌کند (Othman, 2012). همچنین مطالعه اصول مدرسه با نام ارتباط بین تعصب، هوش فرهنگی و سطح کارآفرینی یافته‌های معنوی نشان دادند که هوش فرهنگی با تعصب و کارآفرینی رابطه مثبت دارد (بلتاسی، ۲۰۱۷). مطالعاتی نیز در خصوص آموزش و تقویت و استفاده از هوش‌های چندگانه از جمله هوش معنوی انجام شده است مانند ارزیابی اثربخشی روش آموزش کارآفرینی در دانشجویان دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران که یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که روش آموزش کارآفرینی «سخنران مهمان» از طریق تأثیر بر متغیرهای مطلوبیت شخصی، خودباوری و باور جمعی باعث ارتقای قصد کارآفرینی دانشجویان می‌شود، این نتایج به سیاست‌گذاران در تدوین برنامه‌های آموزش کارآفرینی کمک می‌کند (آراستی، ۱۳۹۳). آموزش کارآفرینی در مقطع ابتدایی با هدف تقویت نگرش کارآفرینانه مطالعه دیگری است که نشان داد مفاهیم قابل آموزش در هریک از پنج بعد نگرش کارآفرینانه شامل میل به موفقیت، کنترل شخصی، خلاقیت و نوآوری، عزت نفس و تشخیص و بهره‌برداری از فرصت شناسایی هستند (بهمنی و همکاران ۱۳۹۷). بر اساس یافته‌های پژوهش دیگری در دانشگاه تهران، محتوا و فعالیت‌های مرتبط با دانستن از جمله آشنایی با مشاغل، مفهوم پول، سواد مالی، شناخت محصولات جدید؛ انجام دادن شامل: فعالیت‌های یادگیری گروهی، انجام محاسبه‌های مالی، ارائه محصولات، برگزاری بازارچه و کارآفرینانه بودن شامل علاقه‌مندی به مسیر شغلی کارآفرینانه، در دروس دوره ابتدایی استخراج شده است. (عزیزی، ۱۳۹۶). رابطه

میان نیاز به شناخت، خودکارآمدی آموزشی و انگیزه یادگیری/ انگیزه آموزشی، با انتقال آموزش در میان کارآموزان مرکز کارآفرینی دانشگاه اصفهان بررسی شد که یافته‌های آن نشان می‌دهد متغیر نیاز به شناخت و خودکارآمدی پس آموزشی توان پیش بینی انتقال آموزش را دارند. با عنایت به این موضوع که سازه‌های نیاز به شناخت و خودکارآمدی پس آموزشی از طریق آموزش قابل ارتقا هستند، می‌توان انتظار داشت که با طراحی برنامه‌های آموزشی بر مبنای این دو متغیر انتقال آموزش به عملکرد نیز افزایش یابد (دهباشی، ۱۳۹۳)؛ و در نهایت در بررسی فرایند خلق بی‌بدیل با نام پیش‌درآمدی بر فرایند خلق بی‌بدیل (ناولتی) در توسعه اقتصادی و کارآفرینی این‌طور آمده است: با توجه به ضرورت خلق بی‌بدیل در تحقق و تسریع فرایند توسعه، پژوهش حاضر تبیین فرایند خلق بی‌بدیل در توسعه اقتصادی و کارآفرینی را در کانون توجه قرار داده است. بر اساس استدلال صورت گرفته در پژوهش، فرایند خلق بی‌بدیل مستلزم سه بنیان کلیدی است. این بنیان‌ها عبارت‌اند از: آزادی ذهن، تفاوت در قابلیت‌های ذهنی و نیاز به آموزش‌های منحصربه‌فرد و قدرت تخیل فرد. توصیه‌های سیاستی برگرفته از این بنیان‌ها در جمع‌بندی پژوهش می‌آید. (متوسلی، ۱۳۹۵). همان‌طور که می‌بینیم بیشتر مطالعات انجام شده در زمینه هوش معنوی و ارتباط آن با انواع کارآفرینی در شرق و مخصوصاً ایران انجام شده است. این امر نشان دهنده آن است که فرضیه تحقیق حاضر مبنی بر تأثیر هوش معنوی بر کارآفرینی مستقل، در پیشینه آن تأیید شده است. در این تحقیق به‌طور خاص بر این تأثیر بر گرایش کارآفرینی مستقل در دانش‌آموزان تمرکز می‌شود.

با توجه به مبانی نظری و تحقیقات انجام شده مدل مفهومی زیر را می‌توان ارائه کرد:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی





شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

### روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات کاربردی می‌باشد. همچنین روش تحقیق توصیفی بوده و از نظر تکنیک تحقیق، پیمایشی است. جامعه‌ی آماری این تحقیق ۴۰۰ نفر از دانش‌آموزان سال آخر دبیرستان‌ها و هنرستان‌های شهرستان چالوس را شامل می‌شود که از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده به کمک جدول مورگان انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌ای با اقتباس از مدل کارآفرینی مقیمی و همکاران (۱۳۹۴) و هوش معنوی کینگ و بدیع (۱۳۸۹) می‌باشد که روایی پرسشنامه‌ها با روایی سنجی سازه محتوایی از طریق تحلیل عاملی تأییدی مورد تأیید قرار گرفتند که برای

پرسشنامه هوش معنوی از میان ۲۳ گویه ۳ گویه دارای بار عاملی کمتر از ۰/۳ و برای پرسشنامه کارآفرینی مستقل از میان ۱۶ گویه ۸ گویه دارای بار عاملی کمتر از ۰/۳ بودند که از مدل حذف شدند. همچنین برای پایایی از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار آن‌ها برای متغیرهای هوش معنوی و کارآفرینی مستقل به ترتیب برابر با ۰/۷۹۳ و ۰/۷۱۱ و به دست آمد.

جهت بررسی کافی بودن نمونه از ضریب KMO استفاده شد.

جدول ۱. اندازه‌گیری کافی بودن نمونه‌گیری

۰,۷۷۷	KMO
۲۹۶۶,۳۰۶	Chi-Square
۷۴۱	درجه آزادی
۰,۰۰۰۱	سطح معناداری

با توجه به اینکه مقدار KMO بیشتر از ۰/۷ می‌باشد و همچنین سطح معناداری کوچک‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد در نتیجه کفایت نمونه تأیید می‌شود. در میان جامعه آماری بیشترین نفرات از لحاظ جنسیت، دختران و از لحاظ رشته تحصیلی، علوم تجربی بودند. همچنین از لحاظ میزان درآمد خانواده قشر متوسط بیشترین تعداد پاسخ‌دهندگان را تشکیل دادند.

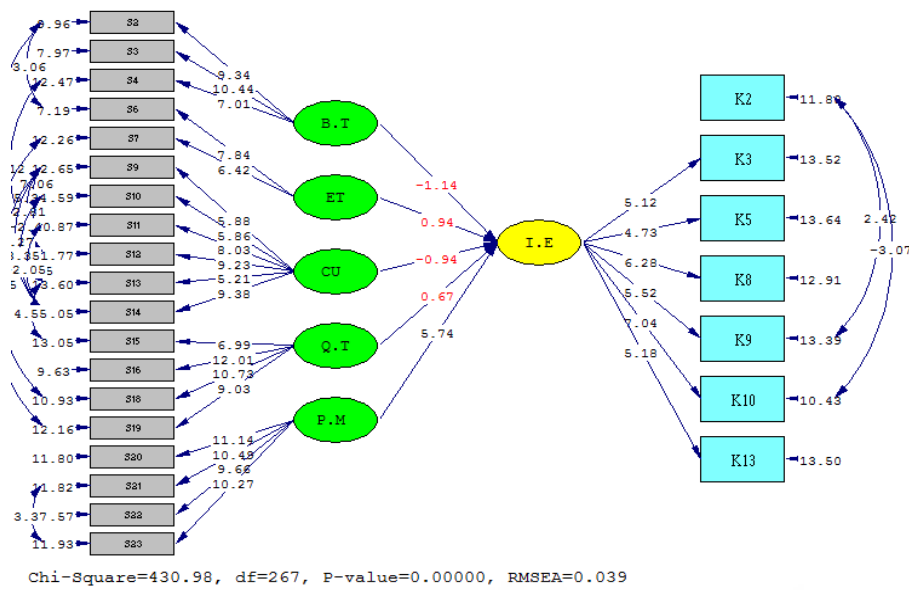
### یافته‌های پژوهش

برای آزمون فرضیه‌ها از مدل‌یابی معادلات ساختاری و نرم‌افزار LISREL استفاده شده است.

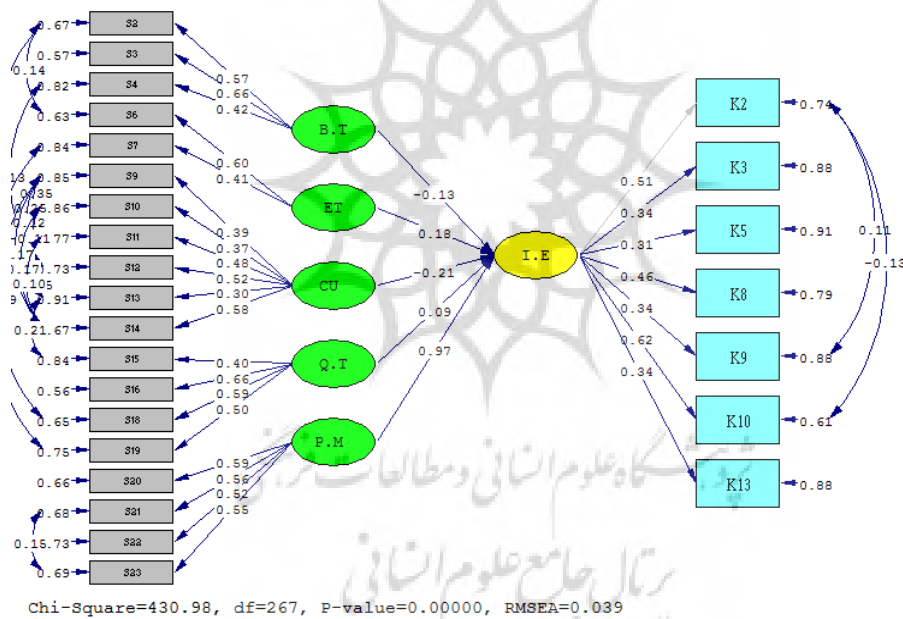
جدول ۲. شاخص برازندگی مدل

IFI	NNFI	NFI	AGFI	GFI	RMSEA	SRMR	شاخص برازندگی
0 - 1	>0. 9	>0. 9	>0. 9	>0. 9	<0. 08	<0. 05	مقادیر قابل قبول
0. 95	0. 94	0. 90	0. 90	0. 92	0. 039	0. 050	مقادیر محاسبه شده

۱۰۲/ ارزیابی تأثیر هوش معنوی بر گرایش به کارآفرینی مستقل دانش آموزان



شکل ۲. آماره t-value مدل



شکل ۳. ضریب مسیر مدل

جدول ۳. نتایج آزمون فرضیه‌های تحقیق

نتیجه آزمون	علامت	مقدار ضریب	آماره تی	وابسته	مسیر تحلیل	مستقل
عدم تائید	-	۰/۱۳	۱,۱۴	کارآفرینی مستقل	←	تفکر اعتقادی
عدم تائید	+	۰/۱۸	۰,۹۴	کارآفرینی مستقل	←	سجایای اخلاقی
عدم تائید	-	۰/۲۱	۰,۹۴	کارآفرینی مستقل	←	آگاهی
عدم تائید	+	۰/۰۹	۰,۶۷	کارآفرینی مستقل	←	تفکر انتقادی
تائید	+	۰/۹۷	۵,۷۴	کارآفرینی مستقل	←	معنا سازی شخصی

با توجه به نتایج جدول (۳) یکی از مؤلفه‌های هوش معنوی «معنا سازی شخصی» بر کارآفرین مستقل شدن دانش‌آموزان چالوس تأثیر دارد. لذا سایر مؤلفه‌ها یعنی تفکر انتقادی، تفکر اعتقادی، آگاهی متعالی و سجایای اخلاقی بر کارآفرین مستقل شدن دانش‌آموزان چالوس تأثیر ندارند.

جدول ۴. مقایسه بین گروه‌ها بر اساس رشته تحصیلی

متغیر	رشته	رشته	تفاوت میانگین	خطای استاندارد	سطح معناداری	کران پایین	کران بالا
رشته تحصیلی	علوم	انسانی	-۰/۱۴۵۳	۰/۰۶۶۲	۰/۰۲۹	-۰/۲۷۵۴	-۰/۰۱۵۱
	علوم تجربی	ریاضی	-۰/۱۵۲۵	۰/۰۶۵۹	۰/۰۲۱	-۰/۲۸۲۲	-۰/۰۲۲۹
	هنرستان	هنرستان	-۰/۱۷۲۳	۰/۰۵۵۶	۰/۰۰۲	-۰/۲۸۱۷	-۰/۰۶۲۹
رشته تحصیلی	علوم تجربی	علوم	۰/۱۴۵۳	۰/۰۶۶۲	۰/۰۲۹	۰/۲۷۵۴	۰/۰۱۵۱
	انسانی	ریاضی	-۰/۰۰۷۳	۰/۰۷۳۲	۰/۹۲۱	-۰/۱۵۱۱	۰/۱۳۶۶

۱۰۴/ ارزیابی تأثیر هوش معنوی بر گرایش به کارآفرینی مستقل دانش آموزان

هنرستان	-۰/۰۲۷	۰/۰۶۴	۰/۶۷۳	-۰/۱۵۲۹	۰/۰۹۸۹
علوم تجربی	۰/۱۵۲۵	۰/۰۶۵۹	۰/۰۲۱	۰/۰۲۲۹	۰/۲۸۲۲
ریاضی انسانی	۰/۰۰۷۳	۰/۰۷۳۲	۰/۹۲۱	-۰/۱۳۶۶	۰/۱۵۱۱
هنرستان	-۰/۰۱۹۸	۰/۰۶۳۸	۰/۷۵۷	-۰/۱۴۵۱	۰/۱۰۵۶
علوم تجربی	۰/۱۷۲۳	۰/۰۵۵۶	۰/۰۰۲	۰/۰۶۲۹	۰/۲۸۱۷
هنرستان انسانی	۰/۰۲۷	۰/۰۶۴	۰/۶۷۳	-۰/۰۹۸۹	۰/۱۵۲۹
ریاضی	۰/۰۱۹۸	۰/۰۶۳۸	۰/۷۵۷	-۰/۱۰۵۶	۰/۱۴۵۱

نتایج جدول (۴) نشان داد بین رشته‌های (علوم تجربی با علوم انسانی) و (علوم تجربی با ریاضی) و (علوم تجربی با هنرستان) و (علوم انسانی با علوم تجربی) و (ریاضی با علوم تجربی) و (هنرستان با علوم تجربی) تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۵. مقایسه بین گروه‌ها بر اساس میزان درآمد خانواده

متغیر	رشته	رشته	تفاوت میانگین	خطای استاندارد	سطح معناداری	کران پایین	کران بالا
کارآفرینی مستقل	متوسط	کم	۰/۰۳۰۱	۰/۰۷	۰/۶۶۷	-۰/۱۰۷۵	۰/۱۶۷۸
	خوب	کم	-۰/۱۹۱۴	۰/۰۹۹۴	۰/۰۵۵	-۰/۳۸۶۸	۰/۰۰۳۹
	متوسط	خوب	-۰/۰۳۰۱	۰/۰۷	۰/۶۶۷	-۰/۱۶۷۸	۰/۱۰۷۵
	خوب	خوب	-۰/۲۲۱۶	۰/۰۸۴۱	۰/۰۰۹	-۰/۳۸۶۹	-۰/۰۵۶۲
	کم	خوب	۰/۱۹۱۴	۰/۰۹۹۴	۰/۰۵۵	-۰/۰۰۳۹	۰/۳۸۶۸
	متوسط	متوسط	۰/۲۲۱۶	۰/۰۸۴۱	۰/۰۰۹	-۰/۰۵۶۲	۰/۳۸۶۹

همچنین نتایج جدول (۵) نشان داد که بین سطح درآمد خانواده‌های (متوسط با خوب) و (خوب با متوسط) تفاوت معناداری وجود دارد.

## بحث و نتیجه‌گیری

در حالی که در آخرین گزارش مرکز آمار و اطلاعات اقتصادی، شاخص ملی محیط کسب‌وکار ایران نسبت به فصل‌های گذشته بازهم بدتر شده است و از سوی دیگر شرایط دیپلماتیک کشور و تحریم‌ها مجال بسیاری از تحرکات اقتصادی را تنگ‌تر کرده و رؤیای جوانان مستعد، مهاجرت به فضاها مناسب کسب‌وکاری است، مطالعه‌ای ضرورت پیدا می‌کند که باعث شود جوانان نه‌تنها کشور را ترک نکنند بلکه بمانند و به‌جای توقع کار کارمندی و استخدامی، خود به کارآفرینی مستقل اقدام نمایند و ریسک‌ها و دشواری‌های راه ناهموار پیش رو را به جان بخرند. فرض تحقیق این است که تنها عاملی روانی و معنوی می‌تواند در چنین شرایطی باعث شود فردی قرار را بر فرار ترجیح دهد و به قیمت عمر و فرصت‌های تکرار نشدنی خود، دست به سازندگی کشور بزند.

بدیهی است شناخت این عوامل و رشد و پرورش و حمایت آن‌ها به شکلی زودبازده، نه‌تنها امید بدتر نشدن شاخص‌ها را طی سال‌های آتی پررنگ‌تر می‌کند بلکه با نفوذ به ریشه‌های ایجاد این عوامل مؤثر می‌توان آن‌ها را در خانواده و جامعه نهادینه کرد و به‌زودی شاهد بهبود مستمر شاخص‌های اقتصادی و کسب‌وکار بود.

در مطالعه سایر تحقیقات انجام شده در دهه گذشته در خصوص هوش معنوی و کارآفرینی مشاهده می‌شود که در همه این تحقیقات وجود رابطه معنادار میان این متغیرها به اثبات رسیده و تأکید محققین بر به‌کارگیری هر چه بیشتر نتایج این تحقیقات در سطح تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری کشورهاست.

لذا در خصوص تحقیق حاضر محدودیت‌هایی از جمله عدم وجود پیشینه در مورد فرضیه خاص تحقیق و بی‌تجربگی افراد جامعه آماری برای پاسخگویی به پرسشنامه‌های تحقیقاتی وجود داشت که با تلاش مضاعف برطرف گردید.

به نظر می‌رسد قوی‌ترین عاملی که می‌تواند باعث کارآفرین شدن فرد به‌طور مستقل شود و شوق و انگیزه ادامه و تحمل سختی‌ها را به او بدهد، از جایی غیر از انگیزه‌های معمول سرچشمه می‌گیرد. الهامی عمیق و روحی که فرد را به یک چشم انداز شگفت خیره کرده و انرژی عبور از میان تمام عوامل بازدارنده و موانع و دل‌سردی‌ها را به او می‌دهد و روشنایی‌اش مانع انحراف فرد در تاریکی‌ها می‌گردد و وسوسه‌ها در میانه راه او را از نقطه

روشنی که به آن گرایش دارد باز نمی‌دارد. آرمانی که به فرد هدف می‌دهد و به تلاش او معنا می‌بخشد.

همان‌طور که یافته‌های این پژوهش نشان داد، مؤلفه معنا سازی شخصی بر گرایش به کارآفرینی مستقل دانش آموزان تأثیر مثبت دارد. پس با بررسی بیشتر و سنجش و تکرار این پژوهش‌ها در جوامع آماری مختلف، یکی از مهم‌ترین عوامل روحی مؤثر بر توسعه کشور مطالعه می‌گردد و امید است تا حلقه گمشده فرایند اشتغال اثربخش و رونق اقتصادی با پرورش و ترویج نگرش و استعداد معنوی کودکان و نوجوانان و هدایت صحیح آن‌ها به کسب‌وکار در حوزه‌ای باشد که ندای شهودی آنان بر آن منطبق است. در این صورت در نسل شغلی ۵ سال آینده می‌توان شاهد اولین علائم بلوغ کارآفرینانه در جوانان و بهبود وضعیت کسب‌وکار آنان بود.

در بررسی ادبیات تحقیق مشاهده شد که محققین در کشورهای مختلف تأثیر هوش معنوی را بر کارآمدی، کارآفرینی و کیفیت سرویس‌دهی و توسعه فردی و سازمانی و فرهنگی مطالعه کرده‌اند؛ و این نشانگر اهمیت این بعد از هوش در رسیدن به اهداف رشد همه‌جانبه کشورهاست.

در جمع بندی نتایج می‌توان گفت که می‌توان با هدایت و تقویت هوش معنوی بخصوص مؤلفه معنا سازی شخصی در دانش آموزان همه سطوح، آن‌ها را در یافتن معنای زندگی‌شان یاری کرد. این معنا رسالت، هدف و نقش اجتماعی فرد در دوران زندگی‌اش را مشخص می‌کند. به تناسب بالا رفتن سطح تحصیلی همچنان در کنار نوجوانان باشیم تا از این آمادگی (معنایی) و با کمک استعداد سنجی در یاری آنان در انتخاب هدف و رشته‌های تحصیلی و مهارتی مناسب استفاده کنیم. در سال آخر دبیرستان یا هنرستان‌ها افرادی که هدف آن‌ها ادامه تحصیل در دانشگاه‌ها را ایجاب می‌کند و افرادی که ایده و انگیزه آغاز کار مستقل دارند به‌طور جداگانه هدایت و حمایت شوند و تحت مشاوره‌های متفاوت و متناسب هدفشان قرار بگیرند؛ و درنهایت با معرفی افراد مایل و مستعد کارآفرینی مستقل به نهادهای حمایتی، آنان را در راه‌اندازی و مدیریت کسب‌وکار و رسیدن به هدف و قرار گرفتن در بستر معنوی بهینه‌شان همراهی کنیم. به این شکل می‌توان گفت به‌زودی شاهد نسلی خلاق، امیدوار، اخلاق مدار، شاداب و فعال در عرصه کارآفرینی مستقل خواهیم بود.

همچنین پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های هوش معنوی با سایر مؤلفه‌ها و تأثیر آن‌ها بر میل به کارآفرینی مستقل یا سایر انواع کارآفرینی مطالعه شود. همچنین جامعه آماری نیز در تحقیقات بعدی می‌تواند دانش آموزان سایر شهرها و کشورها و یا دانشجویان و غیره باشد. ضمناً محققین می‌توانند پس از سنجش میزان هوش معنوی، به جامعه آماری دقیق‌تری دست پیدا کرده و گرایش به انواع کارآفرینی را مجدداً پژوهش نمایند. بعلاوه همکاری با اساتید و محققین رشته‌های روانشناسی، انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی در تحقیقات آتی برای این پژوهش به شدت توصیه می‌شود.

### منابع

- الوانی، سید مهدی (۱۳۸۸)، کارآفرینی: هم‌افزایی فرد، فرهنگ، جامعه، گزیده مدیریت، دوره ۱۰، شماره ۹۲، صص ۳۱-۳۷.
- انصاری، منوچهر، احمدپورداریانی، محمود و بهروز آذر، زهرا (۱۳۸۹)، ویژگی‌های فردی اثرگذار بر توسعه کارآفرینی اجتماعی در موسسه‌های خیریه‌ی استان تهران، مجله توسعه کارآفرینی، دوره ۳، شماره ۲، صفحه ۳۷-۶۴.
- آراستی، زهرا (۱۳۹۳)، ارزیابی اثربخشی روش آموزش کارآفرینی «سخنران میهمان» (مورد مطالعه: دانشجویان دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران)، دوره ۷، شماره ۳ - شماره پایانی ۲۵، صفحه ۳۸۹-۴۰۶.
- آقاجانی، حسنعلی، گنجه خور، زیبا (۱۳۸۹)، تبیین نقش ویژگی‌های روان‌شناختی کارآفرینان بر فرآیند کارآفرینی مستقل (مورد مطالعه: کارآفرینان استان مازندران)، پژوهش‌نامه مدیریت تحول، سال دوم، شماره ۴، صص ۱۱۸-۱۴۰.
- بدیع، علی، سواری، الهام، باقری دشت بزرگ، وحیده، لطیفی زادگان، وحیده (۱۳۸۹)، ساخت و اعتباریابی پرسشنامه هوش معنوی، اولین همایش ملی روانشناسی، دانشگاه پیام نور تبریز.
- بهمنی، ندا، آراستی، زهرا و حسینی، سید رسول (۱۳۹۷)، آموزش کارآفرینی در مقطع ابتدایی با هدف تقویت نگرش کارآفرینانه، فصلنامه علمی پژوهشی توسعه کارآفرینی، دوره ۱۰، شماره ۴ (۳۸).



- پردنجانی، حجت‌الله (۱۳۹۲)، تأثیر ذهنیت فلسفی بر گرایش‌های کارآفرینی مورد مطالعه: مدیران کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، دوره ۶، شماره ۴ - شماره پیاپی ۲۲، صفحه ۹۵-۱۱۲.
- جهانگیری، علی، کلانتری ثقفی، ربابه (۱۳۸۷)، بررسی و سنجش ویژگی‌های کارآفرینی مدیران (مطالعه موردی: شرکت مخابرات ایران)، توسعه کارآفرینی، سال اول، شماره اول.
- دهباشی، فرزانه (۱۳۹۳)، رابطه میان نیاز به شناخت، خودکارآمدی آموزشی و انگیزه یادگیری/انگیزه آموزشی، با انتقال آموزش در میان کارآموزان مرکز کارآفرینی دانشگاه اصفهان، دوره ۷، شماره ۱ - شماره پیاپی ۲۳، صفحه ۱۷۳-۱۹۰.
- سعیدی کیا، مهدی (۱۳۹۰)، آشنایی با کارآفرینی، تهران: انتشارات کیا.
- سهرابی، فرامرز، ناصری، اسماعیل (۱۳۸۸)، بررسی مفهوم و مؤلفه‌های هوش معنوی و ساخت ابزاری برای سنجش آن، فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش در سلامت روان‌شناختی، دوره سوم، شماره چهارم، صص ۷۷-۶۹.
- طهماسبی پور، نجف، رفیعی یزد، زهرا (۱۳۹۶)، تحلیل جامعه‌شناختی میزان امید به زندگی دانش آموزان بر اساس هوش معنوی، فصلنامه علمی پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال یازدهم، شماره چهارم، پیاپی (۳۹)، صص ۲۸۷-۳۰۴.
- عربشاهی، احمد (۱۳۹۵)، تبیین مفهوم و ابعاد سازمان کارآفرین (از ماهیت تا فرآیند طراحی و اجرا)، نشریه کارآفرینی در کشاورزی، جلد سوم، شماره سوم، صص ۷۱-۹۰.
- عزیزی، محمد، مختاری، نگار (۱۳۹۶)، آموزش کارآفرینی برای دانستن، انجام دادن و بودن در دوره ابتدایی با رویکرد تلفیقی، دوره ۱۰، شماره ۱ - شماره پیاپی ۳۵، صفحه ۶۳۵-۶۵۴.
- علی داوری و همکاران (۱۳۹۶)، عوامل اکوسیستم کارآفرینی ایران بر اساس مدل آیزنبرگ، مجله، مقاله ۶، دوره ۱۰، شماره ۱ - شماره پیاپی ۳۵، صفحه ۱۰۱-۱۲۰.
- غباری بناب، باقر، سلیمی، محمد، سلیمانی، لیلا، نوری مقدم، ثنا (۱۳۸۶)، هوش معنوی. فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه نوین دینی، ۱۴۷، ۱۰-۱۲۵.
- فیض بخش بازرگان، سید علیرضا، عبدی، مجید (۱۳۸۱)، فرآیند شناسایی فرصت‌های کارآفرینانه، دومین کنفرانس ملی مهندسی صنایع.

- کیاکجوری، کریم و جعفرنژاد، احمد (۱۳۹۰)، تبیین عوامل اثرگذار بر فرایند کارآفرینی مستقل (مطالعه موردی: کارآفرینان شهرستان بندر انزلی)، توسعه کارآفرینی، سال چهارم، شماره سیزدهم، از ص ۶۹-۸۷.
- متوسلی، محمود (۱۳۹۵)، پیش‌درآمدی بر فرایند خلق بی‌بدیل (ناولتی) در توسعه اقتصادی و کارآفرینی، دوره ۹، شماره ۱ - شماره پیاپی ۳۱، صفحه ۱۷۷-۱۹۵.
- مرزبان، شیر مراد (۱۳۹۴)، اثر رهبری معنوی بر کارآفرینی سازمانی بین کارکنان دانشگاه تهران، فصلنامه علمی پژوهشی توسعه کارآفرینی، دوره ۸، شماره ۴، صفحه ۷۰۹-۷۲۷.
- مقیمی، سید محمد و رمضان، مجید (۱۳۹۴)، مدیریت استراتژیک و کارآفرینی، نوبت سوم، تهران، موسسه کتاب مهربان نشر.
- Baltaci, Ali (2017), Relations between Prejudice, Cultural Intelligence and Level of Entrepreneurship: A Study of School Principals, International Electronic Journal of Elementary Education, 9(3), 645-666.
- Emmons, Robert (1999), The psychology of ultimate concerns: Motivation and spirituality in personality. New York: Guilford. July 16, 2003230.
- Emmons, R. A. (2000). Is spirituality intelligence? Motivation, cognition, and gendered? International journal of entrepreneurial behavior and research,
- Herriott, Eva Norlyk (2009), Spiritual dimensions of entrepreneurship in Transcendental Meditation and TM-Sidhi program practitioners, Pages 195-208, published online: 10 Aug 2009.
- Johnson, D., Craig, Justin B. L and Hildebrand, R. (2006). Entrepreneurship education: Towards a discipline-based framework. Journal of Management Development, 25(1), 40-54.
- King, D (2008), Rethinking claims of spiritual intelligence: A definition, model, and measure. Unpublished Master's Thesis, Trent University, Peterborough, Ontario, Canada, page 8-18.
- Kirkwood, J. (2007). Igniting the entrepreneurial spirit: is the role parents play
- Othman, Abdul Kadir (2012), the Influence of Multiple Intelligences on Entrepreneurial Orientation, PAPER ID TITLE AUTHORS PAGE NUMBER, 498 .
- Rohana, Ngah (2015), Emotional Intelligence and Entrepreneurs' innovativeness towards Entrepreneurial Success, American Journal of Economicsp-ISSN: page 285-290
- Zohar, D., & Marshall, I (2000), SQ: Connecting with our spiritual intelligence. Bloomsbury USA.